

مرداد ۱۴۰۱
مسلسل: ۱۸۳۵۰

سفر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان؛ جلوه‌ای از مداخله‌گرایی بی‌ثبات‌ساز واشنگتن





مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۳۵۰

کد موضوعی: ۲۶۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: سفر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان؛ جلوه‌ای از مداخله‌گرایی بی‌ثبات‌ساز واشنگتن

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: فاطمه سلیمانی پورلک

ناظر علمی: مهدی امیری

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. چین

۲. تایوان

۳. آمریکا

۴. پلوسی



تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۵/۱۹

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	دلایل سفر نانسی پلوسی به تایوان
۹.....	پیامدهای سفر نانسی پلوسی به تایوان
۱۶.....	واکنش سه گانه چین به اقدام آمریکا
۱۸.....	جمهوری اسلامی ایران و بحران اخیر تایوان
۲۰.....	نتیجه گیری
۲۲.....	منابع و مآخذ



سفر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان؛ جلوهای از مداخله‌گرایی بی‌ثبات‌ساز واشنگتن

چکیده

سفر اخیر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان علاوه بر آنکه مؤید تداوم و تشدید سیاست‌های مداخله‌جویانه واشنگتن در نظام بین‌الملل است، استراتژی کلان «بازموازنه‌سازی» در برابر چین را به تصویر می‌کشد. از آنجاکه آمریکایی‌ها بر این باورند که چین از مرحله قدرت‌سازی اقتصادی و «صعود مسالمت‌آمیز» عبور کرده و وارد دوره‌ای از قدرت‌سازی نظامی و «صعود چالش‌انگیز» شده، استراتژی بازموازنه‌سازی را نیز از حوزه ژئواکونومیک به حوزه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منتقل کرده‌اند. از این رو، انگیزه سفر پلوسی به تایوان، مهار چین از طریق ایجاد تنش‌های مرزی در منطقه و درگیرسازی استراتژیک آن در پیرامون است تا در نهایت، «هژمونی رو به افول آمریکا» در جهان را نجات دهد. بر این اساس، واشنگتن سیاست «اقدامات تحریک‌آمیز هوشمند» را اتخاذ کرده و سفر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان در این راستا و با انگیزه تهییج و تحریک پکن صورت گرفته که به «ابهام راهبردی» در خصوص سیاست آمریکا در قبال چین پایان بخشیده است. این سفر و سفرهای مشابه به غلبه بیشتر رویکرد امنیتی - نظامی آمریکا نسبت به چین و افزایش «تنش مستقیم» بین آنها می‌انجامد. علاوه بر این، سفر پلوسی به تایوان به تشدید تنش میان چین و

جدایی طلبان در این جزیره و افزایش حمایت مالی و کمک‌های تسلیحاتی آمریکا از جریان جدایی تایوان می‌انجامد. در صورت مؤثر واقع شدن «اقدامات تحریک‌آمیز» آمریکا و عملیاتی شدن تهدیدات چین علیه تایوان، آمریکا و کشورهای غربی در جهت حمایت از تایوان، «گسترش حداکثری ناتو به شرق» را به اجرا درمی‌آورند. این پیامدهای خطرناک احتمالی مقامات پکن را به واکنش قاطع تهدیدآمیز توأم با «احتیاط راهبردی» سوق داده و آنها را در «بازگشت مسالمت‌آمیز» تایوان به سرزمین اصلی مصرّتر ساخته است. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان شریک راهبردی چین، سفر پلوسی به تایوان را محکوم کرده، آن را نقض حاکمیت ملی چین دانسته و از تر «چین واحد» حمایت کرده است. با افزایش تنش در روابط پکن و واشنگتن و تشدید سیاست تحریمی آمریکا علیه چین فرصت مناسبی فراهم می‌شود تا همکاری گسترده‌تری نه‌تنها میان ایران و چین بلکه به‌صورت شبکه‌ای میان پکن، تهران و مسکو شکل گیرد. پرواضح است که تحرکات تحریک‌آمیز آمریکا در شرق آسیا همانند سفر پلوسی به تایوان فرصتی پیش روی ایران می‌گشاید تا به‌طور مؤثرتری «سیاست نگاه به شرق» را پیگیری کند.

مقدمه

تایوان جزیره‌ای با فاصله ۸۰ مایلی (۱۲۸ کیلومتری) از سواحل چین و جمعیتی بالغ بر ۲۳ میلیون نفر، به‌دلیل سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده آمریکا، همواره یکی از کانون‌های تنش میان واشنگتن و پکن بوده است. سفر اخیر نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده که به‌رغم هشدارهای «جدی و بسیار شدید» مقامات پکن صورت گرفت، این تنش را به اوج خود رسانده است. پلوسی ریاست هیئتی از کنگره آمریکا را برای سفر



به منطقه ایندوپاسفیک (مناطق حائل میان دو اقیانوس هند و آرام) و انجام دیدارهایی با مقامات سنگاپور، مالزی، کره جنوبی و ژاپن برعهده داشت. در همین راستا، او در چارچوب سفر آسیایی خود قبل از ورود به تایپه از سنگاپور و مالزی بازدید کرد. شایان ذکر است که پس از سفر «نیوت گینگریچ»، رئیس وقت مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان در سال ۱۹۹۷، سفر پلوسی اولین دیدار رئیس مجلس نمایندگان آمریکا از این جزیره طی ۲۵ سال اخیر محسوب می‌شود؛ سفری که با جنجال و تنش بسیاری توأم شده است. پرسش مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود آن است که چرا این سفر در این برهه زمانی که چالش میان پکن و واشنگتن افزایش یافته و همچنین جنگی در اروپا (بحران اوکراین) در جریان است، انجام پذیرفت؟ آن‌هم در شرایطی که واکنش تند و قاطع چین قابل پیش‌بینی به‌نظر می‌رسید؟ با انجام این سفر چه پیامدهایی بر آن مترتب خواهد بود؟ افزایش تنش میان آمریکا و چین تا چه حد پیش خواهد رفت؟ آیا روابط چین و ایران از روند فزاینده تنش میان واشنگتن و پکن تأثیر می‌پذیرد؟ نوشتار حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال‌ها برمی‌آید و آن را در قالب دلایل سفر پلوسی به تایوان، پیامدهای آن، واکنش چین و مواضع جمهوری اسلامی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

دلایل سفر نانسی پلوسی به تایوان

سفر رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده به تایوان را می‌باید در تداوم استراتژی کلان واشنگتن و به‌عنوان بخشی از آن تبیین کرد. آمریکا متناسب با تحولات چالش‌انگیز در نظام بین‌الملل که عمدتاً معطوف به «صعود قدرت چین تا سرحدّ هژمون‌شدگی» است و متأثر از روند اجتناب‌ناپذیر افول آمریکاست، تغییراتی در دستور کار سیاست خارجی

خود ایجاد کرده است. تمرکز روزافزون ایالات متحده بر آسیا در قالب استراتژی «بازموازنه»^۱ را می‌توان در زمره این تغییرات دانست. این سیاست اساساً معطوف به نقش‌آفرینی آمریکا در نظم منطقه‌ای آسیا - پاسیفیک به‌عنوان کانون اصلی تهدیدها و فرصت‌هاست. بازموازنه از اواخر دهه ۹۰ با عنوان «تمرکز بر آسیا»^۲ در محافل نخبگی آمریکا مطرح شد که صعود چین را مهم‌ترین تهدید امنیتی آمریکا می‌پنداشتند.

سیاست خارجی آمریکا براساس این باور که آینده جهان در آسیای شرقی رقم خواهد خورد، معطوف به «تمرکز بر آسیا» شد. این رهیافت در قالب «بازموازنه‌سازی» با هدف شکل‌دهی به آینده جهان از طریق نقش‌آفرینی مداخله‌گرایانه در نظم منطقه‌ای آسیا - پاسیفیک، در دولت اوباما رسمیت یافت. مقدمات اجرای این استراتژی در دوران ترامپ از طریق جدال تجاری با چین تمهید شد و درنهایت، ترجمان استراتژی بازموازنه به کارکرد جدید سیاست خارجی آمریکا در جدال ژئوپلیتیک و استراتژیک با چین توسط بایدن نمود یافت (سلیمانی پورلک، ۱۴۰۰: ۲۳۴).

از نگاه دولت‌های مختلف در کاخ سفید، چین از بالاترین ظرفیت هژمون‌شدگی در آینده نزدیک برخوردار است. این کشور متناسب با افزایش قدرت و بازتعریف حوزه اطلاق منافع خود در سراسر آسیا - پاسیفیک، «هژمونیک‌گرایی منطقه‌ای را تعقیب خواهد کرد و از این‌رو، تهدیدآمیزترین سناریوی فراروی آمریکا در قرن ۲۱، هژمون‌شدگی چین در آسیا است» (Mearsheimer, 2001: 401).

از این منظر، بسیاری از اندیشمندان و سیاستگذاران آمریکایی اصلی‌ترین جزء «تهدید چین» را توان نظامی آن در آینده در مقایسه با آمریکا و سایر قدرت‌های منطقه‌ای آسیا

1. Rebalance

2. Pivot to Asia



(Christensen, 2001: 5) می‌دانند. بنابراین، در شرایط فقدان موازنه‌دهنده منطقه‌ای در مقابل چین، آمریکا درصدد محدودسازی توانمندی هژمونیک پکن در آسیا و حفظ توازن قوای جهانی است. براین اساس، پرواضح است که نگرانی آمریکا نسبت به آسیای شرقی و مشخصاً به هژمونی منطقه‌ای چین بازمی‌گردد. بایدن برای حفظ نفوذ نامشروع آمریکا در منطقه نمی‌تواند برای موازنه چین به کشورهای آسیایی و ائتلاف موازنه‌ساز منطقه‌ای تکیه کند و ناگزیر است که اقدامات این کشورها را هماهنگ سازد و وزنه خود را بر قدرت آنها بیفزاید.

براساس ادراک محافل نخبگی سیاسی آمریکا، چین از مرحله قدرت‌سازی اقتصادی و «صعود مسالمت‌آمیز» عبور کرده و وارد دوره‌ای از قدرت‌سازی نظامی و «صعود چالش‌انگیز» شده است. عدم همراهی چین با آمریکا در تحریم ایران و همچنین عدم پیروی از سیاست‌های تحریمی آمریکا علیه روسیه بعد از جنگ اوکراین نمونه‌های از سیاست قدرت‌افکنی جدید پکن محسوب می‌شود. مارک میلی، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا ۳۱ ژوئیه در سفر به منطقه به‌عنوان بخشی از سفر آسیا - پاسیفیک گفته بود که ارتش چین در برخورد با سایر نیروهای فعال در منطقه به‌طور فزاینده و قابل‌توجهی در هوا و دریا تهاجمی می‌شود، چون رهگیری هواپیماها و کشتی‌های آمریکا و متحدانش از سوی نیروهای چینی در پنج سال گذشته به میزان چشمگیری افزایش یافته است.

از این‌رو، استراتژی بازموازنه‌سازی آمریکا نیز از جدال تجاری و اقتصادی و از حوزه ژئواکونومیک فراتر رفته و به حوزه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک معطوف گشته است. باور آمریکایی‌ها بر این است که دست برتر در قدرت نظامی و استراتژیک از آن کشورشان است و از این‌رو، منطقی است تا هم‌آوردجویی در برابر چین را از حوزه ژئواکونومیک به

حوزه ژئوپلیتیک بکشانند. انگیزه واشنگتن از ایجاد تنش‌های مرزی در محیط همسایگی چین و درگیرسازی استراتژیک آن در پیرامون چیزی جز «مهار» این کشور از طریق افزایش انحرافی هزینه‌های نظامی آن نیست. از این رو است که می‌توان این تحول را به معنای حضور گسترده‌تر و مستقیم‌تر آمریکا نه فقط در آسیا - پاسیفیک بلکه در ایندو - پاسیفیک دانست.

در واقع، هدف آمریکا آن است که چین را مهار کرده و روند قدرت‌یابی آن را متوقف کند. از این دیدگاه، تایوان نقش بسیار مهمی در «مهار چین» دارد و از این رو در شرایط موجود شکاف میان پکن و تایپه می‌باید حفظ شود، زیرا در صورت بازگشت تایوان به «سرزمین اصلی» و عملی شدن سیاست «چین واحد»، پکن در دو حوزه قدرتمندتر از امروز می‌شود؛ هم از وسعت جغرافیایی گسترده‌تر و موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب‌تری به واسطه سلطه بلامنازع بر تنگه تایوان و دریای چین جنوبی برخوردار خواهد شد و هم با افزوده شدن ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اقتصادی تایوان به سرزمین اصلی از قدرت ژئواکونومیکی افزون‌تری برخوردار خواهد شد.

سفر نانسی پلوسی به تایوان که به تأکید خود وی نشان‌دهنده «حمایت بی‌قید و شرط» آمریکا از این جزیره است، دلالت بر آن دارد که واشنگتن به دنبال سیاست «بازموازنه‌سازی چین» در منطقه است و بخشی از این استراتژی را از طریق تقویت ائتلاف‌ها با متحدان خود در منطقه و در محیط همسایگی چین پیش می‌برد. تایوان در میان مؤتلفین آمریکا از آن جهت اهمیت خاص می‌یابد که هم در همسایگی بلافصل چین قرار دارد و هم یک مسئله امنیتی جدی و حیاتی برای پکن محسوب می‌شود که بسیار محل تمرکز و حساسیت است. بنابراین، در شرایطی که آمریکا گسترده‌سازی رقابت توأم با جدال و «هم‌آوردطلبی نابکارانه» (سلامی، ۱۳۹۳: ۱۶۱) با چین را در دستور کار



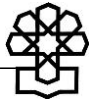
قرار داده، تعمیق روابط با تایوان و نشان دادن حمایت از آن می‌تواند به جدال در برابر پکن بینجامد و بخش مهمی از نیروها و امکانات این کشور را مصروف خود سازد. سفر پلوسی در حالی رخ می‌دهد که آمریکایی‌ها به خوبی واقفند که چینی‌ها روابط خارجی خود را با مقیاس قرار دادن نوع رویکرد کشورها به مسئله تایوان تنظیم می‌کنند. بر این اساس، شرط اصلی پکن در برقراری و گسترش مناسبات با سایر کشورها در گروه تأیید «سیاست چین واحد» و پذیرش و شناسایی تایوان به‌عنوان بخشی از سرزمین اصلی (Homeland) چین است. با وجود چنین حساسیتی از جانب چینی‌ها که بر کسی پوشیده نیست، به‌نظر می‌رسد سفر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان در راستای سیاست «اقدامات تحریک‌آمیز هوشمند» و با انگیزه تهییج و تحریک پکن صورت گرفته است. در توضیح مطلب باید افزود که آمریکا پیش از این، این سیاست را در تهییج و تحریک روسیه به اتخاذ اقدام نظامی علیه اوکراین به آزمون گذارده و عملی کرده است. اینک به‌نظر می‌رسد که آمریکا قصد دارد با نادیده انگاشتن استقلال سیاسی و حاکمیت ملی چین و با مداخله در حق تعیین سرنوشت ملت‌های چینی و تایوانی، پکن را به شیوه‌ای هوشمندانه تحریک کرده و آن را به اتخاذ اقدامی محاسبه نشده و غیرهوشمندانه وادارد. در این صورت، چین بخش عمده‌ای از منابع و امکانات خود را صرف درگیری با آمریکا و به‌ویژه با متحدان منطقه‌ای آن خواهد کرد و از دید آمریکایی‌ها موجبات ضعف خود را فراهم خواهد ساخت.

شاهدی دیگر نیز وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکا با ترتیب دادن سفر پلوسی به تایوان و سفرهای سایر مقامات سیاسی و نظامی خود به کشورهای منطقه به‌دنبال نقض استقلال و تمامیت ارضی چین است تا این کشور را تحریک کند. طبق گزارش‌ها، در اثنای تشدید تنش میان چین و آمریکا، ون‌دی شرم‌ن معاون وزیر امور خارجه آمریکا و کارولین

کندی سفیر آمریکا در استرالیا ماه آینده میلادی (سپتامبر) به جزایر سلیمان سفر خواهند کرد. این سفر نیز به تشدید تنش‌های خطرناک میان واشنگتن و پکن خواهد انجامید، زیرا ایالات متحده و استرالیا تأکید دارند که چین به دنبال تأسیس یک پایگاه نظامی در جزایر سلیمان است تا از این طریق نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش دهد.

تحركات تحریک‌آمیز آمریکا در منطقه مانند سفر پرتنش پلوسی به تایوان را می‌توان پایان دوران «ابهام راهبردی» آمریکا در قبال چین تلقی کرد. این سفر و سفرهای مشابه به معنای غلبه رویکرد امنیتی - نظامی آمریکا نسبت به چین و افزایش «تنش مستقیم» بین آنهاست. برخلاف قبل که آمریکا درصدد مهار غیرمستقیم چین در حوزه اقتصادی بود، امروزه سفر پلوسی نشان از ورود دو کشور به دوره جدیدی از «تنش مستقیم» دارد. این در حالی است که چینی‌ها در چارچوب دکترین «صعود مسالمت‌آمیز» همواره به دنبال رشد اقتصادی و قدرت‌یابی اقتصادی به صورت آرام و بدون تنش مستقیم با آمریکا و کشورهای غربی بوده‌اند. اما در سوی دیگر این معادله، آمریکا درصدد بحران‌سازی در نقاط مختلف جهان به‌ویژه در آسیا-پاسیفیک است تا با ایجاد تنش بین کشورها به‌ویژه کشورهای همسایه، رقبای خود را مهار کند و از این طریق، روند افول هژمونی خود را به تعویق بیندازد. بحران‌سازی در اوکراین، آسیای غربی و آسیای شرقی نتیجه سیاستی است که به دنبال نجات «هژمونی روبه افول آمریکا» و «احیای لحظه روبه پایان آمریکایی» در جهان است.

بنابراین، به نظر می‌رسد که سفر پلوسی به تایوان می‌باید هم‌راستا و هم‌زمان با سایر سفرهای مقامات آمریکایی به منطقه ایندو-پاسیفیک در چارچوب استراتژی کلان «بازموازنه‌سازی چین» و بازداشتن صعود قدرت این کشور ارزیابی شود.



پیامدهای سفر نانسی پلوسی به تایوان

مهم‌ترین پیامدهای سفر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. افزایش تنش میان آمریکا و چین

رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در حالی به تایوان سفر کرد که پیش از آن مقامات آمریکایی از لغو این سفر خبر داده بودند و مخالفت‌هایی نیز از جانب چهره‌ها و شخصیت‌های مهمی همچون هنری کیسینجر، وزیر خارجه وقت آمریکا مطرح شده بود. او به بایدن در مورد خطر «سیاست‌های تقابل بی‌پایان با چین» هشدار داد. از دیدگاه او، آمریکا از این طریق به اهداف خود نخواهد رسید. اگرچه جلوگیری از هژمونی چین و هر کشور دیگری بسیار مهم است، اما نمی‌توان از طریق تقابل دائمی به این نتیجه رسید. از نظر کیسینجر، وضعیت سیاسی داخلی امروز آمریکا از دوران جنگ ویتنام بسیار بدتر است. ادامه روابط پرپیچ‌وخم آمریکا و چین می‌تواند به یک درگیری جهانی تبدیل شود. بنابراین، با وجود اعلام لغو سفر و هشدارهای فراوان، آمریکایی‌ها در راستای تلاش برای افزایش تنش با چین بر انجام این سفر اصرار ورزیدند و با انجام سفر پلوسی به‌نظر می‌رسد که تنش‌های میان واشنگتن و پکن روندی فزاینده و جدی‌تر با ابعادی گسترده‌تر را تجربه کند. دلیل این میزان شدت و حدت تنش را باید در اصرار آمریکا به ادامه سیاست‌های بی‌ثبات‌ساز، حساسیت چین نسبت به مسئله تایوان و نوع رویکرد آن در این باره و نادیده انگاشتن این نگرانی توسط آمریکا جستجو کرد. چین همواره از تایوان به‌عنوان بخشی از خاک خود یاد می‌کند که در صورت لزوم حتی با استفاده از «زور» باید آن را به سرزمین

اصلی چین ملحق کند. در همین راستا، پکن بازدید مقامات کشورهای خارجی از تایوان را نشانه به رسمیت شناختن دولت حاکم بر این جزیره می‌داند.

تنش میان آمریکا و چین در سال‌های اخیر محدود به مسئله تایوان نبوده است، بلکه در سایر حوزه‌های نفوذ چین نیز دو کشور رودرروی یکدیگر ایستاده‌اند. آمریکا در سال‌های اخیر برای مقابله با نفوذ و قدرت چین در ایندو-پاسیفیک علاوه بر تلاش برای تقویت روابط با کشورهای این منطقه، ناوشکن‌ها و کشتی‌های خود را نیز در این حوزه مستقر کرده و هر از گاهی به آب‌های تحت حاکمیت پکن در دریای چین جنوبی نزدیک می‌شود؛ این اقدامات تنش‌زای آمریکا موجب برخوردهای نایمن نیروهای دریایی دو طرف و تنش کلامی مقامات دو کشور شده است. در تازه‌ترین اقدام تحریک‌آمیز واشنگتن، ۱۵ تیر یک ناوشکن نیروی دریایی آمریکا برای دومین بار به جزایر جنوبی چین نزدیک شد که با واکنش تند نیروی دریایی چین و ادار به عقب‌نشینی شد.

در ادامه سیاست «حراست از حوزه نفوذ» و تز «تایوان بخشی از سرزمین مادری» است که تلویزیون دولتی چین در آستانه ورود نانسی پلوسی به تایپه گزارش داد که جنگنده‌های این کشور در حال «عبور از تنگه تایوان» هستند. پکن همچنین دقایقی پس از ورود رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان اعلام کرد که با «اقدامات نظامی هدفمند» به این سفر واکنش نشان خواهد داد. در همین راستا چین از ۱۳ مرداد با برگزاری رزمایش نظامی عملاً جزیره تایوان را به محاصره خود درآورد. بنابراین، می‌توان ادعان داشت که سفر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به این جزیره می‌تواند به خصومت‌های نظامی بیشتر در منطقه بینجامد و بر گستره و عمق جدال میان واشنگتن و پکن بیفزاید. در چنین بستر بی‌ثباتی، دولت آمریکا تسلیحات بیشتری به تایوان خواهد فروخت و بر طبل رویارویی مستقیم خواهد نواخت.



با وجود اوج‌گیری تنش‌ها در نتیجه سیاست آمریکا در جهت اتخاذ «اقدامات تحریک‌آمیز هوشمند» در برابر چین بر سر تایوان، اما برخی کارشناسان تأکید دارند که بعید است پکن و واشنگتن دست به اقدامات مواجهه‌جویانه مستقیم نظامی بزنند. آنها قدرت و ابزارهای چانه‌زنی خود را به رخ یکدیگر می‌کشند. در این میان، آمریکایی‌ها اعلام کرده‌اند که برخلاف هنگ‌کنگ آنها حاضر به مصالحه و واگذاری تایوان به چین نیستند. این موضع بدان معناست که واشنگتن از تایوان به‌عنوان یکی از اهرم‌های فشار و ابزارهای چانه‌زنی جهت مهار روند صعودی قدرت چین استفاده می‌کند و آن را در جهت استراتژی بازموازنه‌سازی چین پیش خواهد برد.

۲. افزایش تنش بین چین و تایوان

سفر ناسی پلوسی به تایوان به تشدید تنش میان چین و جدایی‌طلبان در این جزیره می‌انجامد که سال‌هاست سودای استقلال در سر می‌پروراندند. در واقع، می‌توان در یک گزاره کلی این‌گونه اذعان داشت که سفرهای مقامات آمریکایی به تایوان، علامتی تشویق‌کننده برای اردوگاه جدایی‌طلبان در این جزیره است. این در حالی است که آمریکا طی توافقی با چین در سال ۱۹۷۹ متعهد شده که به تمامیت ارضی این کشور احترام گذاشته و از به رسمیت شناختن استقلال تایوان بپرهیزد. به همین دلیل پلوسی در موضعی مضحک، اعلام داشته که «بازدید از تایوان را با سیاست واشنگتن در قبال چین در تناقض نمی‌بیند». این عبارت به دو گونه قابل تفسیر است؛

اول اینکه، او موضعی اعلامی اتخاذ کرده که به‌موجب آن آمریکا همچنان به «سیاست چین واحد» پایبند است و این سفر تناقضی با این سیاست ندارد. این در حالی است که سخنگوی وزارت دفاع چین ضمن آنکه خواستار احترام آمریکا به اصل چین واحد و عدم

حمایت از استقلال تایوان شده، تصریح کرده است که سفر پلوسی به تایوان، اصل چین واحد و مفاد بیانیه‌های مشترک چین و آمریکا را به‌طور جدی نقض و به حاکمیت و تمامیت ارضی پکن آسیب جدی وارد می‌کند.

دوم اینکه، پلوسی سفر خود را در راستای استراتژی کلان اعمالی آمریکا جهت بازموازنه‌سازی چین دانسته و از این‌رو، تناقضی تصور نمی‌کند. به‌نظر می‌رسد که در تبیین سفر پلوسی به تایوان، تفسیر دوم که بر هم‌راستایی این سفر با استراتژی کلان آمریکا دلالت دارد و در نتیجه به‌معنای نقض عملی حاکمیت ملی و یکپارچگی سرزمینی چین است، به واقعیت نزدیک‌تر باشد.

این موضع آمریکا که با سیاست‌های استقلال‌طلبان در تایوان هماهنگی دارد، به نشانه حمایت از این جریان تلقی می‌شود و انتظار می‌رود که با حمایت مالی و کمک‌های تسلیحاتی بیشتری از جریان جدایی تایوان همراه شود. کمالینکه اخیراً دولت آمریکا لایحه صدها میلیارد دلاری بودجه نظامی آمریکا را امضا کرده که بخش چشمگیری از آن به مقابله با چین و حمایت از تایوان تخصیص داده شده است. طبعاً در چنین شرایطی که از یک‌سو، پکن تهییج و تحریک می‌گردد و از سوی دیگر، جدایی‌طلبان تایوان تهییج و تجهیز می‌شوند، تنش و نزاع بین آنها افزایش می‌یابد.

در صورت مؤثر واقع شدن سیاست «اقدامات تحریک‌آمیز» آمریکا و عملیاتی شدن تهدیدات چین علیه تایوان، یک شبهه‌درگیری در منطقه رخ خواهد داد و پرواضح است آمریکا و کشورهای غربی در چارچوب ناتو به حمایت از تایوان برمی‌خیزند. در چنین شرایطی، بستر لازم برای «گسترش حداکثری ناتو به شرق» فراهم می‌شود و در واقع، آمریکا ناتو را به منطقه آسیا-پاسیفیک نیز گسترش خواهد داد. این پیامدهای خطرناک



احتمالی از نگاه مقامات پکن دور نمانده و از این رو، آنها را به واکنش قاطع تهدیدآمیز توأم با «احتیاط راهبردی» سوق داده است.

این موضوع که چین تا چه میزان خویشتن‌داری نشان خواهد داد تا رویارویی مستقیم رخ ندهد و منازعه را به جنگ تبدیل نکند، تابعی از روندهای پیش‌بینی‌نشده و غافلگیرکننده در آینده است. مقامات چینی بارها خاطرنشان ساخته‌اند که «اگر کسی جرأت جداسازی تایوان را داشته باشد، ما در جنگ تردید نداریم و هزینه آن را تا پایان می‌پردازیم». با وجود این باید توجه داشت که چین به شدت خواهان «بازگشت مسالمت‌آمیز» تایوان به سرزمین اصلی است.

۳. غلبه روندهای امنیتی-نظامی بر منطقه ایندوپاسیفیک

بارزترین و فوری‌ترین پیامد سفر پلوسی به تایوان تعمیق ادراک مبتنی بر «معمای امنیت» در میان کشورهای منطقه به‌ویژه چین و همسایگان است که خود را در قالب افزایش تنش‌ها و صف‌آرایی‌های نظامی میان آنها نشان داده است. در واقع، این سفر در راستای مهار و بازموازنه چین از طریق تحریک آن به اقدامات غیرحساب‌گرانه، به احساس ناامنی در پکن دامن می‌زند و آن را به واکنش وامی‌دارد. اهمیت واکنش‌های چین به جایگاه آن به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت منطقه برمی‌گردد که همواره اولویت خود را بر رشد اقتصادی متمرکز ساخته بود. بدیهی است که با وقوع رویدادهایی که به بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه می‌انجامد، قدرت‌افکنی نظامی نیز در دستور کار کشورها قرار گیرد. در چنین شرایطی است که چین نیز دست به اتخاذ واکنش‌های نظامی در محیط پیرامونی زده تا توان بازدارندگی خود را بار دیگر به ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای‌اش یادآوری کند.

به تبع منطق «معمای امنیت» سایر کشورهای منطقه نیز به تقویت و کاربست قوای نظامی خود تمایل می‌یابند و در نتیجه نوعی نظامیگری فراگیر در منطقه غلبه خواهد یافت. از آنجاکه آمریکا به عنوان یکی از بازیگران مداخله‌گر در شرق آسیا محسوب می‌شود و از دهه‌ها قبل رابطه مبتنی بر اتحاد و ائتلاف با برخی کشورهای منطقه برقرار ساخته است، سیاست‌های آن به سرعت و به طور مستقیم وضعیت امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. استراتژی بازموازنه‌سازی که اساساً معطوف به مهار و محدودسازی چین است، رکن نظامی مهمی دارد که گستره عملیاتی آن از آسیا-پاسیفیک فراتر رفته و قلمرو گسترده‌تر ایندو-پاسیفیک را شامل می‌شود. نگاهی به تحرکات دیپلماتیک آمریکا در این منطقه که شامل سفرهای مقامات سیاسی و نظامی این کشور به کشورهایمانند سنگاپور، اندونزی، کره جنوبی، استرالیا و ... می‌شود و معاهدات نظامی-امنیتی که با آنها منعقد کرده، به روشنی بیانگر نیات و برنامه‌های استراتژیک و اشنگتن است. یکی از حساسیت‌برانگیزترین این سفرها، سفر پلوسی به تایوان است که پکن را به واکنش سریع و قاطعانه واداشت.

سیاست جدید آمریکا در ایندو-پاسیفیک با ایجاد احساس ناامنی در میان کشورهای همجوار، به تشدید تنش میان آنها منجر شده و منطقه را به شدت مستعد بی‌ثباتی می‌سازد. نتیجه اجتناب‌ناپذیر ادراک مبتنی بر ناامنی، آرایش قدرت نظامی و ایجاد صف‌آرایی‌های استراتژیک است که به قطب‌بندی منطقه می‌انجامد. همان‌گونه که اشاره شد، آمریکا در شرایط تشدید تنش‌ها و بحران‌سازی و جنگ‌افروزی، فرصت گسترش ناتو به ایندو-پاسیفیک را از دست نخواهد داد. براساس چنین برداشت‌هایی است که پکن حتی بعد از اتمام سفر پلوسی همچنان به حضور نظامی و انجام رزمایش‌های نظامی در اطراف تایوان ادامه می‌دهد. به نظر می‌رسد منطقه ایندو-پاسیفیک تحت تأثیر سیاست



جدید آمریکا و تحرکاتی نظیر سفرها و دیدارهای مقامات سیاسی و نظامی آن با متحدانش به سوی گسترش نظامی‌گری حرکت می‌کند.

۴. تسریع در روند تغییر کانون سیاست خارجی آمریکا از غرب به شرق آسیا

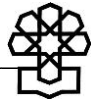
در نتیجه برخی تحولات اساسی از جمله شکست‌های آمریکا در غرب آسیا و نیز تغییرات سیستمی بین‌المللی که اساساً معلول قدرت‌یابی چین است، ایالات متحده به سمت تمرکز بر شرق آسیا حرکت کرده است. تمرکز واشنگتن بر مهار چین آن را ناگزیر از انتقال منابع و امکانات به منطقه آسیای شرقی می‌سازد و بخش مهمی از توان خود را معطوف به مهار چین می‌کند. سازوکار واشنگتن در نیل به این هدف چیزی جز تهدید چین و درگیر ساختن آن با همسایگان نمی‌باشد که سفر پلوسی به تایوان نمونه‌ای از کاربست این سازوکار محسوب می‌شود. در شرایط مبتنی بر وجود و استمرار تهدیدها در محیط منطقه‌ای و همسایگی چین، این کشور نیز درگیر دغدغه‌ها و موضوع‌های امنیتی خواهد شد. در واقع، واشنگتن با شناسایی منبع اصلی تهدید خود در آسیای شرقی و تحریک چین دو هدف را دنبال می‌کند؛ اول اینکه، گسترش حضور خود را در منطقه توجیه می‌کند و دوم اینکه، چین را از تمرکز بر اولویت اقتصادی دور می‌سازد. در واقع، مهار و محدودسازی چین در راه دستیابی به موقعیت هژمونیک سبب می‌شود تا آمریکا به‌طور فزاینده‌ای تنش‌زایی و بحران‌سازی از طریق تحریک چین در منطقه شرق آسیا را در دستور کار قرار دهد. به‌نظر می‌رسد که تحرکات دیپلماتیک آمریکا در این منطقه مانند سفر پلوسی به تایوان نمودی از تمرکز این کشور بر منطقه شرق آسیا باشد.

واکنش سه‌گانه چین به اقدام آمریکا

چین به‌طور مصرّانه تایوان را یکی از استان‌های خود و بخش جدایی‌ناپذیر سرزمین اصلی دانسته و آن را فاقد استقلال اعلام کرده است. بنابراین، پکن همواره با هرگونه تماس و دیدار بین نمایندگان تایوانی و مقامات کشورهای دیگر به‌ویژه مسئولان عالی‌رتبه سیاسی یا نظامی از کشورهایی که پکن با آنها روابط دیپلماتیک دارد، مخالفت کرده است. از این منظر، سفر نانسی پلوسی به تایوان از آنجا اهمیت می‌یابد که او به‌عنوان رئیس مجلس نمایندگان آمریکا بعد از رئیس‌جمهور و معاون او، بالاترین جایگاه را در اختیار دارد. از سوی دیگر، پکن چنین سفرها و دیدارهایی را به‌دلیل تشجیع و تحریک نیروهای جدایی‌طلب تایوانی ناقض اصل «چین واحد» می‌داند. براساس چنین رویکردی، مقامات پکن به سفر پلوسی به تایوان به شیوه‌های مختلف واکنش نشان داده‌اند:

اول، واکنش دیپلماتیک است که به‌موجب آن پکن طی اعتراضات و مخالفت‌های جدی و قاطع، این سفر را محکوم کرد و دست به احضار سفیر آمریکا در چین زد. قطعاً اختلاف‌ها در سطح دیپلماتیک در پی سفر پلوسی به تایوان شدت گرفته، زیرا همان‌گونه که گفته شد رئیس مجلس نمایندگان آمریکا پس از رئیس‌جمهور و معاون او مهم‌ترین مقام سیاسی ارشد آمریکایی محسوب می‌شود. با مروری بر سابقه تنش میان دو کشور به‌دنبال دیدارهای دیپلماتیک میان نمایندگان تایوانی و مقامات آمریکایی، می‌توان مشاهده کرد که در سال ۱۹۹۵ پس از اینکه واشنگتن به «لی» رئیس‌جمهور وقت تایوان اجازه داد تا از ایالات متحده بازدید کند، پکن سفیر وقت آمریکا را از کشور خود اخراج کرد.

در سطحی دیگر، وزارت امور خارجه چین در ۱۴ مرداد طی بیانیه‌ای اعلام کرد که در واکنش به سفر نانسی پلوسی به تایوان برخی از سازوکارهای گفتگو و همکاری دوجانبه



خود با واشنگتن را متوقف می‌سازد. طبق این بیانیه سه مکانیزم گفتگو در حوزه نظامی لغو شده و گفتگوها در پنج زمینه مبارزه با مهاجرت غیرقانونی، همکاری قضایی، جرائم فرامرزی، مواد مخدر و تغییرات اقلیمی نیز به حالت تعلیق درمی‌آیند. درحالی‌که دومین روز رزمایش نظامی چین در نزدیکی تایوان ادامه داشت، وزیر امور خارجه این کشور اعلام کرد که پکن مذاکرات مربوط به تغییرات اقلیمی بین چین و آمریکا را متوقف خواهد کرد. با تعلیق این همکاری‌ها و اعتراضات و مخالفت‌های پیاپی پکن، روابط دو کشور به پایین‌ترین سطح در سال‌های اخیر رسیده است.

دوم، واکنش نظامی است؛ چین در واکنش به سفر پلوسی، بزرگ‌ترین مانور نظامی در تاریخ خود را در اطراف این جزیره در ۶ منطقه دریایی و هوایی در شمال، شمال شرق، شرق، جنوب، جنوب‌غرب و شمال‌غرب از روز پنجشنبه ۱۴ مرداد آغاز کرد. به‌رغم اینکه بنا بود این عملیات رزمایشی تا روز یکشنبه ۱۶ مرداد ادامه یابد، اما به شکل غیرمترقبه‌ای برای بعد از این تاریخ تمدید شد. مقام‌های ارشد نظامی چین اعلام کردند که ارتش آزادی‌بخش خلق چین به انجام تمرین‌های نظامی مشترک دریایی و هوایی در اطراف تایوان با تمرکز بر قابلیت‌های حمله دریایی و زیردریایی ادامه می‌دهد. نکته بارز در خبرهای مخابره شده از پکن، پرواز ۲۱ جنگنده مسلح چینی هم‌زمان با سفر رئیس مجلس آمریکا به تایوان بوده است. فرماندهی ارتش شرقی چین بلافاصله پس از فرود پلوسی اعلام کرد که مجموعه رزمایش‌های نظامی با مهمات جنگی واقعی در اطراف تایوان انجام خواهد داد. درواقع جزیره تایوان از ۶ جهت با مانورهای ارتش آزادی‌بخش خلق چین محاصره کرده بودند. مناطق رزمایش اعلام‌شده پکن تا منطقه شناسایی دفاع

هوایی تایوان، یک حائل از حریم هوایی که معمولاً به آن ADIZ^۱ گفته می‌شود، گسترش می‌یابد و در برخی موارد به حریم هوایی سرزمینی جزیره نیز می‌رسد. به باور تحلیلگران، چین در نزدیک کردن تجهیزات و دارایی‌های نظامی خود به سواحل تایوان بسیار فراتر از همیشه پیش رفته است.

سوم، واکنش اقتصادی است که به موجب آن چین صادرات و واردات برخی اقلام را در تجارت با تایوان تحریم کرد. پکن همچنین نانسی پلوسی و خانواده نزدیک وی را نیز تحریم کرد. وزارت خارجه چین بدون اشاره به جزئیات این تحریم‌ها، اعلام کرد که خانم پلوسی با سفر خود، به‌طور جدی در امور داخلی چین مداخله و حاکمیت و تمامیت ارضی کشور را تضعیف کرده است. چین در سال‌های اخیر تحریم‌هایی علیه بسیاری از مقامات آمریکایی به اتهام اقدام علیه منافع این کشور و اتخاذ مواضع حقوق بشری در موضوع هنگ‌کنگ و استان سین‌کیانگ اعمال کرده است.

جمهوری اسلامی ایران و بحران اخیر تایوان

جمهوری اسلامی ایران همواره نسبت به اقدامات مداخله‌آمیز و بی‌ثبات‌ساز آمریکا که چه‌بسا به جنگی همانند جنگ اوکراین می‌انجامد، موضع مشخص و یکسانی دارد. بر همین اساس، تهران اقدام تحریک‌آمیز آمریکا این‌بار در آسیای شرقی و مداخله آن در امور داخلی چین را تقبیح و محکوم کرده است. از نظر ایران، نقض تمامیت ارضی چین نمونه‌ای از مداخلات آمریکا در جهان است، درحالی‌که احترام به حاکمیت ملی کشورها، از اصول بنیادین منشور ملل متحد است و ماده ۲ آن، اعضا را از هرگونه رفتاری که

1. Taiwan's Air Defense Identification Zone (ADIZ)



خداشاهی به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دیگر دولت‌ها وارد کند، برحذر می‌دارد. ایران احترام به تمامیت ارضی کشورها را از مبانی سیاست خارجی خود می‌داند و حمایت از «سیاست چین واحد» را در این چارچوب تردیدناپذیر می‌داند.

بنابراین، از نگاه جمهوری اسلامی ایران، سفر پلوسی به تایوان بیانگر مداخله آمریکا در امور داخلی چین و نقض تمامیت ارضی آن کشور محسوب می‌شود. این سفر تنش‌زا، به‌عنوان نمونه‌ای از الگوی مداخله‌گرایانه سیاست خارجی آمریکا در مناطق و کشورهای مختلف جهان، حاصلی جز افزایش بی‌ثباتی و تنش نداشته و از این‌رو محکوم است. شایان ذکر است که مسکو نیز واکنشی مشابه تهران نسبت به این سفر نشان داد و آن را محکوم کرد.

اهمیت مواضع اعلامی ایران و روسیه که سفر پلوسی به تایوان را محکوم کرده و از «سیاست چین واحد» حمایت کرده‌اند، از آن جهت است که اتحاد چین، ایران و روسیه از خطوط قرمز برجسته در سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شود. بنابراین، این مسئله که چالش‌های چین و آمریکا در تایوان به‌طور خاص و در آسیای شرقی به‌طور عام تا چه میزان روابط ایران و چین را تحت تأثیر قرار داده و به اتحاد سه‌گانه پکن-تهران-مسکو شکل می‌دهد، بسیار پیچیده و مفصل است.

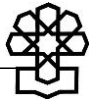
اجمالاً باید خاطر نشان ساخت که جدال و نزاع میان چین و آمریکا بر سر موضوع‌های مختلف همانند سفر پلوسی به تایوان، گرچه در محیط منطقه‌ای شرق آسیا نمود یافته است، اما اساساً و ماهیتاً جنبه سیستمی و بین‌المللی دارد. از همین جهت است که منافع جمهوری اسلامی ایران نیز که دهه‌هاست در تعارض با نظام بین‌الملل لیبرالی تحت هژمونی آمریکا به سر می‌برد، متأثر می‌شود. در این معنا، چالش پکن و واشنگتن که همواره به دلایل مختلف تشدید می‌شود، نوع رابطه ایران و چین را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، با دوری بیشتر تهران و پکن از آمریکا بر سطح همگرایی میان آنها

افزوده می‌شود. افزون‌براین، کاهش حضور آمریکا در غرب آسیا و در مقابل، تمرکز سیاست خارجی چین بر آسیای غربی و همچنین آسیای مرکزی زمینه‌های همکاری بیشتر این کشور را با ایران فراهم می‌آورد. همسایگی بلافصل این دو منطقه با ایران و انتفاع چین از این مناطق باعث شده که پکن و تهران برپایه منافع مشترک به گسترش روابط راهبردی دوجانبه در قالب «توافق مشارکت جامع راهبردی» روی آورند.

از سویی، اگر تنش در روابط چین و آمریکا افزایش یابد و آمریکا سیاست تحریمی خود در قبال شرکت‌های چینی را با شدت بیشتری ادامه دهد، فرصت مناسبی فراهم می‌شود تا همکاری گسترده‌تری نه‌تنها میان ایران و چین بلکه به‌صورت شبکه‌ای میان پکن، تهران و مسکو شکل بگیرد؛ سه کشوری که در معرض سیاست‌های تحریمی آمریکا و غرب قرار گرفته‌اند. چین دومین قدرت اقتصادی دنیاست و کشورهایمانند ایران و روسیه که تحت تحریم‌های ظالمانه آمریکا قرار گرفته‌اند می‌توانند کالا و خدماتشان را به‌صورت گسترده‌تری از چین تأمین کنند. چین خریدار اصلی نفت از ایران و روسیه است و اگر روابط پکن و واشنگتن بیش‌ازپیش متشنج شود، شرکت‌های چینی با سهولت بیشتری می‌توانند با ایران و روسیه همکاری کنند. بنابراین، این سفر در صورت افزایش تنش میان چین و آمریکا، فرصت‌هایی را برای همکاری گسترده‌تر پکن-تهران-مسکو فراهم خواهد ساخت.

نتیجه‌گیری

تحرکات اخیر آمریکا در آسیا-پاسیفیک و همچنین در قلمرو گسترده‌تر ایندو-پاسیفیک، از جمله سفر نانسی پلوسی به تایوان نشان می‌دهد که این جزیره یکی از بزرگ‌ترین نقاط



عطف در روابط واشنگتن با پکن است. با توجه به افزایش اقدامات بی‌ثبات‌ساز آمریکا در منطقه، عزم چین نیز برای دفاع از منافع منطقه‌ای و تمامیت ارضی خود تقویت شده و در نتیجه سطح و حجم رویارویی‌ها میان واشنگتن و پکن به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. برخی از تحلیلگران آمریکایی با رصد این تحولات معتقدند که توانایی‌های نظامی چین به اندازه‌ای رشد کرده که دیگر پیروزی آمریکا در یک جنگ احتمالی تضمین شده نیست. این برآورد هشدار جدی است که از نظر مقامات آمریکایی برای تحریک چین و ناامن‌سازی فضای پیرامونی آن دور نمانده است. نکته قابل توجه در این رابطه آن است که چینی‌ها نیز بسیار هوشمندانه با مسئله تایوان برخورد می‌کنند و بعید است به دام آمریکایی‌ها بیفتند. قطعاً هر اقدامی که واشنگتن در آن حوزه انجام دهد، با واکنش متناسب چینی‌ها روبه‌رو خواهد شد. به اعتقاد کارشناسان، هر چند گزینه رویارویی مستقیم در معنای وقوع جنگ میان آمریکا و چین در نتیجه اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا همانند سفر پلوسی به تایوان و یا سفر سایر مقامات سیاسی و نظامی واشنگتن به منطقه چندان متصور نیست، (چراکه حجم بالای روابط اقتصادی و توانمندی هسته‌ای استراتژیک طرفین همچون عوامل بازدارنده در این زمینه عمل می‌کنند)، اما واگرایی بیشتر در روابط دوجانبه پکن-واشنگتن نتیجه قطعی سیاست‌های تحریک‌آمیز آمریکا خواهد بود که جلوه‌های جدیدتری از جدال میان آنها را شکل خواهد داد. این امر از محرکه‌های تأثیرگذار بر روند تغییرات در نظم بین‌المللی است که از چند سال پیش آغاز شده و نظم تک‌قطبی مورد نظر آمریکایی‌ها را به چالش کشیده است. مجموعه این تحولات، انگیزه پکن برای همگرایی و ائتلاف با سایر کنشگران منتقد نظم لیبرال را مضاعف خواهد ساخت که این امر فرصتی تاریخی برای جمهوری اسلامی ایران جهت مشارکت در روندهای فرصت‌سازی است که با مشارکت قدرت‌های نوظهور جهانی در

حال شکل‌گیری است. پرواضح است که این امر فرصتی پیش روی ایران می‌گشاید تا به‌طور مؤثرتری «سیاست نگاه به شرق» را پیگیری کند.

منابع و مأخذ

1. Christensen, Thomas J. (2001). "Posing Problems without Catching Up: China's Rise and Challenges for U.S. Security Policy", *International Security*, Vol. 25, No. 4, in: <https://www.belfercenter.org/sites/default/files/files/publication/christensenvol25no4.pdf>
2. Mearsheimer, John J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*, London: W.W.Norton & Company
۳. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و مرتضی اسمعیلی (۱۳۹۳). نظام بین‌المللی در حال گذار و روابط دوجانبه آمریکا و چین (۲۰۱۰-۱۹۹۱)، سیاست دفاعی، سال ۲۲، ش ۸۸.
۴. سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۴۰۰). خروج آمریکا از افغانستان؛ بازتاب استراتژی بازموازنه، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۳، ش ۲، پیاپی ۶۸.

